

حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین (احیای نفوذ روسیه در کشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)

محمد صادق کوشکی*

استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

ابراهیم طاهری بزی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۰۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸)

چکیده

روی کارآمدن پوتین سبب توجه دوباره روسیه به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه کشورهایایی (مصر، عراق، سوریه، فلسطین و یمن) که در گذشته حوزه نفوذ اتحاد شوروی بودند، شد. علت توجه جدی روسیه به خاورمیانه در دوره جدید چیست؟ به نظر می رسد که تلاش روسیه برای حضور در این منطقه راهبردی، به دلیل ضرورت‌هایی مانند احیای نقش روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت قادر به رقابت با آمریکا با هدف حضور دائمی و ایفای نقش تثبیت شده در تحولات منطقه، فروش سلاح و دست افزارهای نظامی به کشورهای منطقه، ترس از گسترش تروریسم و افراطی‌گری از خاورمیانه و شمال آفریقا به مناطق مسلمان نشین جنوب این کشور در صورت غفلت از این منطقه و در نهایت تجارت کالاها و خدمات با این کشورها بود. به همین دلیل است که روسیه تلاش کرد تا افزون بر گسترش روابط با ترکیه، ایران و عربستان سعودی، در کشورهایایی همچون مصر، یمن، عراق، سوریه، فلسطین و اسرائیل به عنوان حوزه نفوذ حاضر شود. هدف این نوشتار بررسی سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا در دوره پوتین با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها

ایالات متحده آمریکا، پوتین، تروریسم، خاورمیانه، روسیه، قدرت بزرگ.

مقدمه

بعد از روی کار آمدن پوتین در روسیه بار دیگر توجه به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه کشورهایی که در گذشته از دوستان و متحدان نزدیک اتحاد شوروی بودند معطوف شد. در این دوره زمانی روس ها از این منطقه دیدار کردند و در زمان های مختلف از مقامات کشورهای این منطقه برای دیدار از روسیه دعوت کردند. برای نمونه به دعوت مقامات روسی در ۵ مه ۲۰۱۱ رهبران جنبش های فتح و حماس و همچنین جبهه دموکراتیک و مردمی آزادی بخش فلسطین و رهبر حزب مردمی «الشعب» فلسطین، به مسکو سفر کردند. روس ها از تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی حمایت کردند؛ بعد از مدتی اندک، روسیه از مرسی برای حضور در مسکو دعوت کرد. او نیز در رأس گروهی سیاسی و اقتصادی، به این کشور سفر کرد. آن ها دیدارهایی با حکومت بشار اسد داشتند. در ۲۸ آوریل ۲۰۱۳، سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان، با میخائیل بوگدانف، معاون وزیر امور خارجه روسیه در بیروت دیدار کرد. باتوجه به این موارد، این سؤال اساسی مطرح می شود که دلایل توجه ویژه روس ها به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دوره جدید چیست؟ آیا فقط ملاحظات اقتصادی عامل توجه روس ها بوده یا ملاحظات سیاسی و امنیتی نیز در دستور کار بوده است. در پاسخ به این پرسش می توان گفت که ملاحظاتی چون تلاش برای احیای موقعیت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ با هدف حضور و نفوذ دائمی در خاورمیانه و شمال آفریقا و ایفای نقش در تحولات آن، جلوگیری از حمایت کشورهایی مانند ترکیه و عربستان از تروریسم و افراط گری در چین، فروش سلاح به کشورهای منطقه و انگیزه های اقتصادی و تجاری سبب توجه روسیه به این منطقه در دوره جدید شده است. در این نوشتار تلاش خواهد شد تا سیاست خارجی مسکو در دوره پوتین در ارتباط با منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به همراه دلایل و ریشه های آن تبیین شود.

چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

نظریه تصمیم گیری، دیدگاهی خرد تلقی می شود که در چارچوب آن به دلیل تمرکز بر نقش بازیگر ملی و رفتار خارجی آن، سطح تحلیل کلان و بین المللی برای پیشبرد هدف های سیاست خارجی دارای اهمیت به حاشیه می رود (سیف زاده، ۱۳۷۶، ص. ۲۶). از مهم ترین نویسندگان این رهیافت می توان به هارود و مارگارت اسپروت، ریچارد اسنایدر، اچ. دبلیو بروک، برتون سایپن، گراهام آلیسون و هالپرین اشاره کرد (عطایی و منصوری مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۲).

این نویسندگان بر تأثیر ساختار داخلی کشورها بر رفتار خارجی آنها تأکید می‌کنند. آنها معتقدند که ذهن و اندیشه تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، لوحی سفید نیست بلکه شامل مجموعه‌ای از اطلاعات و الگوهایی مانند باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، تجربه‌ها، انگیزه‌ها و مفاهیم دیگر است. از این نظر در شرایط خاصی فرد نقش محوری را در سیاست خارجی ایفا می‌کند و تصویری که از دیگران دارد، نقش مهمی در درک و تحلیل این موضوع دارد (Hudson and Vore, 1995, p.212). این موارد را بیان کردیم تا نشان دهیم نقش افراد در سیاست خارجی روسیه برجسته و انکارناپذیر است.

برای نمونه با روی کار آمدن یلتسین به عنوان اولین رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی او به همان اصول دوران گورباچف در ارتباط با سیاست خارجی روسیه پایبند بود و تغییر جهتی را در سیاست خارجی کلی این کشور ایجاد نکرد؛ بنابراین در این دوره این کشور با در پیش گرفتن رویکردی آتلانتیک محور از توجه به خاورمیانه و شمال آفریقا باز ماند (کولایی، ۱۳۸۱، ص. ۲۴).

بعد از روی کار آمدن پوتین به ویژه در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» و حاکم شدن نگاه اوراسیاگرایی در مقابل آتلانتیک‌گرایی نیم‌نگاهی هم در کنار چین و هند به این منطقه شد (کولایی، ۱۳۸۴ (ب)، ص. ۱۲۳). به همین دلیل است که در سند «تدبیر سیاست خارجی روسیه» در سال ۲۰۰۰ که در اوج مبارزه طلبی‌های پوتین پس از تحقیر مسکو در کوزوو تصویب شد، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان اولویت پنجم، پس از کشورهای مستقل هم سود، اروپا، آمریکا و آسیا قرار گرفت؛ اما از ابتدای هزاره نو و با لغو توافق گورچنومردین تلاش‌ها برای از سرگیری روابط با منطقه، جدی‌تر شد؛ به گونه‌ای که سخن از «اتحاد راهبردی» در برخی نشست‌های روسی و خاورمیانه‌ای به میان آمد و مسافرت‌هایی نیز از سوی مقامات روسی به این منطقه صورت گرفت (کریمی، ۱۳۸۴، ص. ۲۰)، روسیه با حضور در این منطقه در پی ایفای نقشی برابر با آمریکا در عرصه بین‌المللی بود. به همین دلیل پوتین تلاش کرد تا روابط با کشورهای متحد سنتی در خاورمیانه و شمال آفریقا را در دستور کار قرار دهد (کریمی، ۱۳۸۴، ص. ۵۰).

از منظر سیاست‌مداران روسی خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان یک حوزه جغرافیایی مجموعه‌ای از امتیازها همچون جهانی، منطقه‌ای و سیاسی را در خود جای داده بود که روسیه به آن توجه خاصی داشت و تلاش می‌کرد تا نفوذ گذشته خود را در آن احیا کند. روسیه در این دوران تلاش داشت تا در نقش قدرت بزرگ هنجارمند ظاهر شود (کولایی و نوری، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۸) برای دستیابی به این هدف‌ها روسیه مجبور بود بین منافع جهانی و منطقه‌ای به معنای یک شریک ثروتمند و سودمند برای غرب که برای سیستم بین‌الملل حیاتی است و فعالیت در سطح

منطقه ای که در تلاش است تا نفوذ غرب را در این منطقه کاهش دهد مانور دهد. تأکید بر دومی به دلیل برخورداری از روابط مبتنی بر همکاری با همه کنش‌گران منطقه‌ای همچون ایران و ترکیه برای نفوذ در این منطقه باهدف موازنه بخشی بود (<http://www.strategypage.com>). به همین دلیل گسترش روابط با کشورهای منطقه در دستور کار قرار گرفت که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

روابط روسیه با کشورهای منطقه

۱. یمن

روابط روسیه با یمن در این دوره رو به بهبودی نهاد. شورای روابط تجاری یمن و روسیه که از سال ۲۰۰۵ ایجاد شد در گسترش روابط اقتصادی میان دو کشور نقش مهمی را ایفا کرده است. یمن که در پی جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود، تلاش کرد تا پای شرکت‌های خارجی را به اقتصاد خویش باز کند، در این راستا شرکت‌های نفتی و گازی روسی در بخش جنوبی یمن در استان سبا در پی نفت و گاز بودند و موفق به کاوش‌هایی شدند. روابط اقتصادی بین دو کشور نیز روبه گسترش نهاد به گونه‌ای که دو کشور در یک دوره ۱۰ ساله رشد ۴۳ درصدی را در تجارت بایکدیگر تجربه کرده‌اند (Chernyshova, 2013). دو کشور در سال ۲۰۰۲ موافقت‌نامه اصول روابط دوستانه را امضا کردند، آنچه به این رابطه اهمیت بیشتری می‌بخشید، معامله تسلیحاتی بین دو کشور بود؛ زیرا از این راه روسیه به یمن مهمات و هواپیماهای جنگی می‌فروخت. در یک دهه گذشته روسیه به این کشور معادل یک میلیارد دلار دست‌افزارهای نظامی فروخته است. از زمان استقلال، نیمی از سلاح‌هایی را که این کشور وارد کرده از روسیه بوده است، این درحالی است که در زمان اتحاد شوروی، ۸۳ درصد از سلاح‌هایش را از این کشور وارد می‌کرد. در سال ۲۰۰۹ در قالب برنامه‌ای با هزینه ۴ میلیارد دلار از سوی روس‌ها، سلاح‌ها و ارتش این کشور را نوسازی کرد. عبدالله صالح در سال ۲۰۱۰ به روسیه سفر کرد و اعلام کرد که در آینده نزدیک ۱/۲ میلیارد دلار از این کشور سلاح و مهمات خریداری خواهد کرد. روس‌ها به این کشور، میگ ۲۱ و میگ ۲۹ فروختند (Solomon, 2010).

۲. مصر

مصر از دیگر کشورهایی است که از سال ۲۰۰۵ روسیه نسبت به همکاری با این کشور سیاست ویژه‌ای را در دستور کار خویش قرار داده بود. محور همکاری دو طرف در گذشته، گفت‌وگوهای سیاسی پیرامون مناقشه اعراب-اسرائیل قرار داشت. از سال ۲۰۱۰ دو کشور در

حوزه اقتصادی نیز موفقیت‌هایی را به دست آورده بودند و میزان تجارت بین دو کشور به ۳,۶ میلیارد دلار رسید که قابل مقایسه با روابط روسیه و ایران بود. شرکت‌های روسی در حوزه گاز طبیعی و نفت همچون نواتک و لوک اویل در این دهه وارد بازار مصر شدند. به دنبال وقوع انقلاب در مصر از میزان تجارت با این کشور کاسته شد؛ اما شرکت‌های انرژی روسی همچنان آماده اند تا به مصر بازگردند. در زمان حکومت مبارک و وقوع ناآرامی‌ها در این کشور روسیه به دنبال راه‌حلی صلح‌آمیز در این بحران بود اما هنگامی که این راه‌حل به نتیجه نرسید روسیه همه تلاش خود را برای ایجاد یک مصر باثبات و دموکراتیک به کار گرفت. روس‌ها مایل‌اند تا با مصری‌ها در حوزه‌های تجاری، صنعت، علم و موضوع‌های فلسطین و اسرائیل همکاری‌هایی داشته باشند (Bango – Moldavsky, 2013, pp.126-129). در این راستا با دعوت از محمد مرسی، رئیس‌جمهور مصر از سوی همتای روسی‌اش، او به همراه گروهی دیپلماتیک در ۱۸ آوریل ۲۰۱۳ وارد مسکو شدند و با پوتین دیدار کردند. اگرچه بعد از دستگیری مرسی، با روی کار آمدن نظامیان در این مصر، بار دیگر روابط روسیه - مصر با توقف ناخواسته روبه رو شده است.

۳. فلسطین

از دیگر کشورهایی که روسیه در زمان اتحاد شوروی در آن نفوذ داشت فلسطین، به‌ویژه به دلیل نقش این کشور در منازعه اسرائیل - فلسطین بود. رهبری روسیه نسبت به موضوع فلسطین حساسیت ویژه‌ای دارد و به آن به چشم موضوعی می‌نگرند که از راه آن با کمترین هزینه به شهرت بین‌المللی برسند و از این راه روابطشان با کشورهای مسلمان در غرب آسیا و شمال آفریقا و آسیای مرکزی را بهبود بخشند (Freedman, 2010, p.57). در چارچوب این راهبرد، فدراسیون روسیه از عضویت فلسطین به عنوان عضو ناظر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد حمایت کرد درحالی که در گذشته نیز از عضویت فلسطین در یونسکو حمایت کرده بود و رهبران روس با محمود عباس به عنوان رئیس تشکیلات خودگردان در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ در اردن، سوچی و گورکی دیدار کردند (Rianovosti, 2011).

مسکو در تلاش است تا نقش حماس را در فرایند صلح خاورمیانه ارتقا بخشد (کرمی، ۱۳۸۴، ص.۱). البته این کار را از راه ابتکارهای دیپلماتیک مانند سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌دهند؛ زیرا این روش کمترین هزینه را برای مسکو در پی دارد و روسیه را با دیگر بازیگران مهم منطقه همچون مصر و حماس در فلسطین، اسرائیل و ایالات متحده آمریکا درگیر نمی‌کند. همچنین از چارچوب‌های دیپلماتیک استفاده می‌کند تا نقش سیاسی خویش را در منطقه افزایش دهد. بنابراین تسهیل گفت‌وگوها یک هدف مهم است. گروه‌هایی چون فتح و حماس در

فلسطین و حزب الله در لبنان نسبت به حضور این کشور در خاورمیانه واکنش منفی نشان نمی‌دهند، حتی این حضور را به نوعی مثبت می‌دانند. زیرا از یک طرف با توجه به رابطه مثبتی که بین اسرائیل و روسیه وجود دارد این گروه‌ها می‌توانند از کارت روسیه استفاده کرده تا از اسرائیل در این باره امتیازخواهی کنند؛ از طرف دیگر نیز این گروه‌ها در عرصه بین‌المللی از حمایت هیچ قدرت بزرگی برخوردار نیستند، برای نمونه در همه قطعنامه‌هایی که در شورای امنیت در ارتباط با صلح فلسطین - اسرائیل مطرح می‌شود از آنجا که اسرائیل متحد راهبردی غربی‌ها در منطقه است آن‌ها به نفع این کشور رأی خواهند داد و گروه‌های لبنانی و فلسطینی کمتر می‌توانند بر روی حمایت این دولت‌ها حساب باز کنند.

۴. اسرائیل

در مورد اسرائیل به نظر می‌رسد که روسیه از طرح‌های بین‌المللی که اسرائیل از آن‌ها به‌عنوان مقابله‌جویی از نوع روسی یاد می‌شود استفاده می‌کند. در همان حال با این کشور در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی همکاری می‌کند (کولایی، ۱۳۸۱، ص ۲۲). برای نمونه متخصصان اسرائیل در مواردی همچون صنایع های تک، بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی به روسیه دعوت شدند تا در طرح‌هایی همچون طرح اسکولکوف دره سیلکون مشارکت کنند. میزان تجارت خارجی بین دو کشور به ۲٫۵ میلیارد دلار از سال ۲۰۱۰ رسیده که همه نیز در حوزه‌های تک‌ها است (Ria-Novosti, 2009). روس‌ها در ارتباط با مناقشه اسرائیل - فلسطین بر دیپلماسی تأکید می‌کنند به همین دلیل آن‌ها در پی برگزاری نشست بین‌المللی با حضور همه طرف‌ها در مسکو هستند تا نقش روسیه را به‌عنوان یک میانجی در عرصه بین‌الملل به اثبات برسانند.

در چارچوب این سیاست مسکو از بروز جنگ ۲۲ روزه غزه ابراز نگرانی کرد، اگرچه در این میان بیشتر از حماس حمایت کرد. همچنین از کنگره ششم جنبش فتح در سال ۲۰۰۹ تقدیر و تشکر کرد و سخنگوی وزارت خارجه آندری نسترنکو در این باره گفت: «احیای یکپارچگی فلسطین براساس چارچوب طراحی شده سازمان آزادی بخش فلسطین و براساس ابتکار صلح عربی بخش مهمی از کنفرانس اخیر را تشکیل می‌دهد است». پوتین نیز در اظهار نظری از نقش فتح در این کنگره تقدیر کرد: «جنبش فتح به عنوان هسته مرکزی جنبش آزادی بخش فلسطین، به صورت دائم از منافع فلسطینی‌ها دفاع می‌کند. بنابراین این حق را دارد که در پی برپایی یک دولت و حاکمیت قابل اتکا باشد» (Tass, 2009).

از طرفی آن‌ها با اسرائیلی‌ها رابطه نزدیکی دارند به گونه‌ای که در مه ۲۰۰۹، وزیر خارجه جدید، ایگدور لیبرمن به عنوان کسی که خود از روسیه به اسرائیل مهاجرت کرده، اعلام کرد

که در کنفرانس صلح بین المللی در مسکو شرکت خواهد کرد. در طول دهه گذشته روابط با اسرائیل به ویژه در حوزه نانو فناوری گسترش پیدا کرده است. تجارت بین آن ها بالا رفته و توریست ها مدام از روسیه به اسرائیل مسافرت می کنند. روسیه تلاش می کند تا نشان دهد که شریک قابل اعتمادی برای اسرائیل است و به فرایند صلح پایبند است و ملاحظات امنیتی اسرائیل را نیز مورد توجه قرار می دهد. دو کشور هیچ گونه اختلافی بر سر موضوع خاصی ندارند و روسیه آمادگی این را دارد که رویکرد موازنه بخشی خویش را نسبت به دیگر شریک های منطقه ای گسترش دهد و در همان حال روابط مثبتش را نسبت به همه کشورهای حفظ کند. روسیه از این راه تلاش می کند تا نقش بیشتری را برای خود در فرایند صلح با استفاده از کارت اسرائیل افزایش دهد (Magen and Bagno-Moldvsky, 2011).

۵. سوریه

روابط روسیه و سوریه همچون زمان اتحاد شوروی با شور خاصی از سوی دو طرف ادامه دارد. بعد از ایران، سوریه اولویت دوم را برای این کشور در خاورمیانه دارد. سوریه هفتمین واردکننده سلاح از روسیه است. تجارت با این کشور به ۱/۳۲ میلیارد دلار می رسد. میزان صادرات دست افزارهای نظامی روسیه به ایران و سوریه بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ حدود ۱۰ درصد از کل صادرات این کشور در عرصه بین الملل بوده است. این کشور نمی تواند از این بازار ارزشمند به نفع آمریکا و اسرائیل صرف نظر کند. زیرا نه فقط سبب کاهش چشم گیر در تجارت خارجی روسیه در خاورمیانه بلکه به عنوان یک کل می شود. قراردادهایی که در حال حاضر بین سوریه و این کشور به مدت چهار سال بسته شده و هزینه خرید سلاح سوریه از روسیه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ حدود ۶۰۰ میلیون دلار می شود. در سال ۲۰۱۲ روسیه معادل ۱ میلیارد سلاح به سوریه فروخت (کریمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۴). گفت و گوها در ارتباط با مجموعه ای از طرح ها همچون واردات دو زیردریایی الکتریکی - دیزلی، نوسازی سیستم ناوهای ضد هواپیمای اس-۱۲۵، تحویل ۱۵ میگ-۲۹ و ۷۵ هواپیمای تجاری مدل ایاک-۳۰ در جریان است. افزون بر آن قرار است تا روسیه سامانه های ضد هوایی دوربرد، تانک های تی-۹۰ و انواع متفاوت کشتی های جنگی سطح دریا را به سوریه تحویل دهد. همچنین هنگام ارزیابی روابط روسیه و سوریه باید به اهمیت بندر تر توس در دریای مدیترانه توجه داشته باشیم. زیرا این بندر تنها پایگاه نیروی دریایی روسیه در مدیترانه است که روسیه می تواند بر روی آن حساب باز کند (Gafari, pp.145-146).

علاقه اقتصادی روسیه در سوریه از حوزه نظامی فراتر می رود. روس ها حدود ۲۰ میلیارد دلار در سوریه سرمایه گذاری کرده اند. شرکت های نفتی و گازی روسیه در اکتشاف و تولید انرژی در این کشور حضور دارند. قرارداد تانفتس در سال ۲۰۰۳ بسته شد، اما اولین حفاری اش را در حوزه کیشمای جنوبی در سال ۲۰۱۰ انجام داد. شرکت استروی ترانس گاز، یک خط لوله گاز طبیعی و یک کارخانه فراوری ساخته و دومین کارخانه را نزدیک راکا خواهد ساخت که ۱/۳ میلیارد متر مکعب گاز را فراوری خواهد کرد. گروه نفتی شمالی-شرقی مناقصه ای را پیروز شدند تا کارخانه فراوری نفت را نزدیک دیراسزور بسازد. سرانجام باید گفت که یکی از شعبه های گازپروم به نام گروسرز قصد شرکت در مناقصه پالایش نفت را دارد. همچنین شرکت های روسی، در طرح های انرژی هسته ای در سوریه همچون طرحی که در سال ۲۰۱۰ توسط روس اتم مطرح شد تا اولین نیروگاه هسته ای سوریه را بسازد درگیرند.

شرکت های روسیه همچنین در دیگر حوزه های اقتصاد سوریه درگیرند. اورالمش در سال ۲۰۱۰ قراردادی را امضا کرد که از راه آن تجهیزات حفاری را برای شرکت نفت سوریه بسازد. در سپتامبر ۲۰۱۱، توپولف و آویستار - اس پی یادداشت تفاهمی را امضا کردند تا هواپیمای مسافری تو-۲۰۴ اس ام^۱ و یک مرکز تعمیراتی را برای این هواپیماها در اختیار خطوط هوایی سوریه قرار دهند. گروه سینارا مجموعه هتلی را در لاتاکیا ساخته است. سیترونیکس با هدف ساختن شبکه وایرلس برای سوریه در سال ۲۰۰۸ قراردادی را با این کشور امضا کرد و سرانجام، شرکتی به نام فناوری دریانوردی روسی^۲، در حال پیاده سازی طرح هایی برای نصب تجهیزات دریانوردی گلوناس در پایگاه های دریایی سوریه است (Schmemmann and Welt, 2012). علاقه شدید روس ها به سوریه را با بیانی از ولادیمیر پوتین به پایان می بریم. او در سال ۲۰۰۵ در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد اهمیت سوریه برای این کشور اعلام کرد: «سوریه کشوری است که ما با آن روابط خاص و خیلی گرمی داریم» (Bourtman, 2).

۶. عراق

حمله دوم ایالات متحده به عراق و سرنگونی رژیم بعثی صدام حسین به شکل کامل به حضور روسیه در این کشور پایان داد. در عرصه اقتصادی عراق نیز مسکو متحمل خسارت های سنگینی شد. برای نمونه، ۴۰ میلیارد دلار از بدهی های عراق به روسیه به حالت تعلیق در آمد. در دوره

1. Tu-204SM
2. Russkie Navigatsionnye Tekhnologii

بعد از اشغال، روسیه همواره همه طرف‌های درگیر را به دستیابی به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز فرا می‌خواند و اعلام کرد این کشور آماده است تا به عنوان میانجی برای تثبیت وضع عراق وارد این کشور شود؛ این درحالی است که رئیس‌جمهور عراق، جلال طالبانی، روسیه را متهم به اجرای سیاست غیردوستانه نسبت به این کشور برای مدتی طولانی کرد. او که بزرگ‌ترین مخالف روسیه در عراق بود، حمایت مسکو در زمان حکومت صدام حسین را به عنوان بزرگ‌ترین اشتباه این کشور دانست و معتقد بود که روس‌ها به صورت کورکورانه از صدام حمایت کرده‌اند (Ichael, 2002).

با وجود این همه سوءتفاهم، روابط بین روسیه و عراق به مرور زمان بهبود یافت. برای نمونه، دیدار نوری مالکی از روسیه در آوریل ۲۰۰۹ گامی در جهت بهبود روابط با این کشور بود و روسیه با دعوت از او به مهم‌ترین هدفش در دوره بعد از صدام حسین نزدیک شد. در همین دوره شرکت لوک اویل روسیه، حق به مرحله عمل آوری، بخش قرنه - ۲ غربی عراق با حدود ۱۲/۹ میلیارد را به دست آورد. از طرفی گازپروم دیگر غول انرژی روسیه، به همراه شرکت ترکیه ای تی. پی. ای او^۱، شرکت نفتی کره جنوبی به نام گاز کره و پتروناس مالزی مناقصه مربوط به میدان نفتی بدر در ۱۶۰ کیلومتری بغداد را برنده شدند (Staff, 2009). فراتر از این نیز، دولت مردان عراقی اعلام کردند که آمادگی خرید سلاح از روسیه را دارند، زیرا عراق در پی خرید فناوری جایگزین برای تسلیحات آمریکا در این کشور بود.

ریشه‌های توجه بیشتر روسیه به غرب آسیا و شمال آفریقا

۱. ایفای نقش همانند یک قدرت بزرگ و موازنه‌بخش در مقابل آمریکا

روس‌ها به کشورشان به عنوان یک قدرت بزرگ می‌نگرند. نارضایتی از جایگاه کشورشان، مسکو را وادار کرد که در پی ایفای نقش یک قدرت بزرگ باشد تا به غرب بقبولاند که می‌توانند نقش برابری در عرصه بین‌الملل ایفا کنند (کولایی، ۱۳۷۵، ص. ۲۳۱). زیرا روس‌ها اعتقاد دارند که در گذشته منافعشان تأمین نشده است؛ بنابراین حضور در مناطق مختلف در دستور کار قرار گرفت و بعد از نزدیک به یک دهه فراموشی خاورمیانه و شمال آفریقا تلاش کرد تا اعتبار گذشته‌اش به عنوان یک قدرت حیاتی در منطقه را بازیابد (Lo, 2002, p. 241). فرایند صلح خاورمیانه یکی از زمینه‌هایی است که مسکو از راه آن تلاش می‌کند تا ضروری و حیاتی بودن خود را به اثبات برساند.

روس‌ها در ظاهر خود را همسو با آرمان فلسطینی‌ها نشان داده و می‌دهند. اگرچه اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، این کشور را به دلیل تلاش برای یافتن راه حلی برای مسئله فلسطین مورد سرزنش قرار می‌دهند (Nizameddin, 1999, p.131). سال‌ها روس‌ها با یاسر عرفات رابطه نزدیکی داشتند (حتی پریماکوف عرفات را دوست خود می‌دانست) روس‌ها در مسکو میزبان گروه‌های فلسطینی همچون فتح و سازمان آزادی‌بخش فلسطین بودند، باوجود اینکه برخی از گروه‌های فلسطینی از سوی ایالات متحده آمریکا در زمره گروه‌های تروریستی قرار داده شده بودند، روس‌ها آن‌ها را به مسکو دعوت می‌کردند که همین امر نشان از تلاش آن‌ها برای ایفای نقشی بیشتر در امور غرب آسیا و شمال آفریقا دارد.

در معادلات جدید خاورمیانه نیز روسیه تلاش می‌کنند تا به ایفای نقش جدی پردازد و سهم خود را از این تحولات بگیرد و نشان دهد که خارج از اراده روسیه معادله‌ای شکل نخواهد گرفت. برای نمونه به هنگام، تهاجم آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۰ بود که روسیه تلاش می‌کرد تا از این امر جلوگیری کند؛ برای همین روس‌ها اعلام کردند که سرویس اطلاعاتی این کشور هیچ نشانه‌ای از وجود سلاح‌های شیمیایی در عراق پیدا نکرده است (Mankof, 2009, p.310). هنگامی که نتوانستند آمریکایی‌ها را از حمله بازدارند؛ تلاش کردند تا صدام حسین را قانع کنند که با آمریکا موافقت‌نامه‌ای صلح‌آمیز امضا کند. پریماکوف مدعی است که روسیه این کار را از راه نوشتن نامه‌ای خصوصی توسط پوتین به صدام حسین در سال ۲۰۰۳ انجام داده است (Primakov, 2009, p.320). هنگامی که این تاکتیک نیز کارساز نبود روس‌ها با قطع نامه شورای امنیت برای گرفتن تأیید این شورا برای حمله به عراق مخالفت کردند.

اعمال نفوذ در این منطقه حیاتی از دو جهت در تقابل با حضور آمریکا است. نخست، همان گونه که واشنگتن بدون رعایت منافع روسیه وارد منطقه پیرامونی آن شده و به حمایت از رژیم‌های ضد روسی همچون گرجستان می‌پردازد، روسیه نیز می‌کوشد تا با تقویت روابط خود با دولت‌هایی همچون ایران، سوریه و یا حماس در فلسطین، در برابر این نفوذ دست به نوعی موازنه‌بخشی بزند. از سویی روسیه با بهره‌گیری از فرصتی که به‌واسطه افزایش احساسات ضد آمریکایی در منطقه به دلیل اقدام نظامی آن کشور علیه عراق ایجاد شده، در تلاش است تا با نزدیکی با دولت‌های عرب میانه رو مانند عربستان، قطر، مصر، اردن و امارات متحده عربی، تصویر بین‌المللی خود را نزد جوامع اسلامی بهبود بخشد.

اما باید توجه کرد که مهم‌ترین عامل محرک روسیه برای احیای جایگاه خویش، بحث کنترل منابع انرژی، به ویژه نفت و گاز در این منطقه است. هر کشوری که بتواند کنترل این منطقه حیاتی را در دست بگیرد، می‌تواند کنترل قابل توجهی بر امور جهانی و تغییر موازنه

قدرت در سطح جهانی داشته باشد. با توجه به وابستگی سایر قدرت های جهانی همچون ژاپن، چین، هند در شرق آسیا و آلمان، انگلیس و فرانسه در اروپا و خود آمریکا به انرژی این منطقه، کنترل و تسلط بر منابع نفتی و گازی سبب تسلط و نفوذ بر بقیه دنیا می شود.

این سخن از آن جهت است که در آینده نزدیک تنها از ذخایر خلیج فارس حدود ۶۵ درصد انرژی جهانی تأمین می شود. گفته ما هنگامی بیشتر خود را نشان می دهد که بدانیم بنابر ارزیابی کمیسیون اروپایی، تقاضای جهانی برای انرژی بین سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۳۰، ۴۵ درصد افزایش می یابد؛ به ویژه در مورد چین و هند تخمین ها حاکی از دو برابر شدن تقاضای این کشورها در همین دوره زمانی است (Commission, 2011, p.3). کنترل منابع انرژی از سوی هر کشوری در بازار جهانی سبب تغییر موازنه قوایی می شود که امروز میان کشورها وجود دارد. روسیه می خواهد تا به جای ابزار نظامی از ابزار انرژی برای پیشبرد و رقابت با ایالات متحده آمریکا استفاده کند، روس ها خود را امپراتور انرژی دنیا می دانند؛ بنابراین در حال حاضر انرژی اولویت اصلی سیاسی و اقتصادی روسیه در این قرن را تشکیل داده است (Bochkarev, 2006, pp.1-2) و غرب آسیا و شمال آفریقا محل خوبی برای تقابل روسیه با آمریکا و تلاش برای احیای نقش خویش به عنوان یک ابرقدرت در عرصه جهانی در آینده نه چندان دور است. در این راستا است که با روی کار آمدن پوتین در دوره دوم و رهایی از مشکلات داخلی، تلاش کرد تا نفوذ روسیه در کشورهای که در گذشته متحد این کشور بودند احیا شود و رابطه خوبی با همه کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا یعنی حکومت های مسلمان ضد آمریکا همچون حکومت سوریه و ایران، حکومت های طرفدار آمریکا همچون عربستان سعودی، مصر و قطر و حتی حکومت هایی که آمریکا به شکل مستقیم در آنها حضور دارد یعنی افغانستان و عراق برقرار کند تا از این راه نفوذ ایالات متحده را به چالش بکشد. باید گفت که گرایش های ضد آمریکایی در منطقه به دلایلی مانند حمایت این کشور از اسرائیل و حمله به عراق و جنگ بر علیه ترور رشد کرده است. همچنین با کشورهای چون اسرائیل، جنبش فتح در فلسطین و اردن به عنوان کشورهای که پوتین در سال ۲۰۱۱ از آنها دیدار کرد روابط رو به بهبودی دارند (Katz, 2010).

۲. فروش تسلیحات

سابقه فروش تسلیحات روسی به کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به دوران اتحاد شوروی برمی گردد. در سراسر دوران جنگ سرد، مسکو یکی از تأمین کنندگان مهم سلاح برای سوریه، مصر، اردن، عراق، لیبی و یمن جنوبی بود. از آن زمان، فروش تسلیحات و تأمین آن برای کشورهای این منطقه به یکی از دلایل حضور روسیه در منطقه تبدیل شده است (Weir,

قدرت رقابت و قیمت به نسبت پایین برخی از تجهیزات و سلاح های روسی (2012). تضمین کننده فروش آن در بازارهای بین المللی در کنار تجهیزات غربی است (فوی، ۱۳۷۲، ص. ۲۴). به همین دلیل است که از سال ۱۹۹۹ میزان فروش تسلیحات روسیه به جهان خارج دو برابر شد و از این زمان همان میزان باقی مانده است. روسیه در حال حاضر دومین صادرکننده تسلیحات در جهان است (حدود ۷۲ میلیارد دلار) که بعد از آمریکا با حدود ۹۵/۸ میلیارد دلار سالانه فروش قرار دارد.

ایالات متحده آمریکا در زمینه صدور تسلیحات به خاورمیانه از روسیه برتر است (لطفیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۲). به گونه ای که ارزش صادرات (مطابق با ارزش دلار در سال ۲۱۰۲) تسلیحات روسی در مقابل تسلیحات آمریکایی تقریباً نصف است. برای نمونه، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، ارزش کلی میزان صادرات تسلیحاتی آمریکا به این منطقه، حدود ۴/۶۰۹ میلیارد دلار بوده که دو برابر ارزش کلی صادرات تسلیحاتی روسیه یعنی ۲/۷۶۳ میلیارد دلار است. تا سال ۲۰۱۰ روسیه بزرگ ترین صادرکننده تسلیحات در جهان بود؛ اما در یک سال ایالات متحده آمریکا از این کشور پیشی گرفت. صدور تسلیحات روسی به منطقه از سال ۲۰۰۰ به بعد حدود ۱۸/۸ درصد از فروش جهانی اش بوده است؛ اگرچه در پایان این سال به ۳۴/۱ درصد رسید. الجزایر بزرگ ترین واردکننده تسلیحات از روسیه است. عراق از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ به عنوان یکی از خریداران تسلیحات روسیه مطرح نبود. زیرا در این سال ها روسیه بنابر قطع نامه های شورای امنیت ملل متحد حق فروش تسلیحات به عراق را نداشت (Bowker, 2007, p.97).

روسیه موفق شده است تا میزان صادرات اسلحه به خاورمیانه و شمال آفریقا را از حدود ۱/۲۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، به حدود ۳/۵۶۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ برساند. در سال ۲۰۰۰ روسیه تنها به پنج کشور الجزایر، ایران، یمن، امارات متحده عربی و سوریه اسلحه صادر می کرد؛ اما در سال ۲۰۱۰ این میزان به چهارده کشور رسید (۵ کشور در سال ۲۰۰۰ به علاوه مصر، عراق، اردن، کویت، فلسطین، لیبی، سودان و ترکیه (<http://www.sipri.org>)). اگر روسیه موفق شود که کیفیت سلاح هایش را بالا ببرد می تواند سلاح های بیشتری را به کشورهای ثروتمند خلیج فارس بفروشد و کشورهای حوزه خلیج فارس را به واردکنندگان اصلی تسلیحات روسی تبدیل کند.

۳. تجارت با خاورمیانه و شمال آفریقا

روسیه با دو هدف بالابردن رفاه عمومی شهروندانش و کاستن از نقش اروپا در تجارت خارجی اش مجبور است که هم زمان با چند شریک اقتصادی ارتباط برقرار کند. زیرا بیشتر

صادرات روسیه به اتحادیه اروپا است. این اتحادیه به همراه ایالات متحده آمریکا، ژاپن و کره جنوبی نیمی از صادرات این کشور را به خود اختصاص می‌دهند.

این درحالی است که حجم اندکی از صادرات روسیه به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا یعنی ۶/۶۲ درصد است، ترکیه بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه در منطقه است که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ میزان صادرات این کشور به ترکیه حدود ۶ برابر شده و از ۴/۷۵ میلیارد دلار به ۲۷/۴۴ میلیارد دلار رسیده است. بعد از رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸، تجارت ترکیه با روسیه معادل کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بود (کرمی و نجفی، ۱۳۹۰، ص. ۶۵). برای نمونه در سال ۲۰۱۰، ۱۰ واردکننده از روسیه بعد از ترکیه به ترتیب ایران (۳/۳۶ میلیارد دلار)، اسرائیل (۱/۶۸ میلیارد دلار)، مصر (۱/۷۶ میلیارد دلار)، الجزایر (۱/۲۷ میلیارد دلار) و سوریه (۱/۱۰ میلیارد دلار) بودند (IMF, 2002, 2007). واردات روسیه از خاورمیانه و شمال آفریقا خیلی محدود است. برای نمونه، روسیه در سال ۲۰۱۰، ۲۷۳/۶ میلیارد دلار واردات داشت که سهم خاورمیانه و شمال آفریقا، ۷ میلیارد دلار یعنی حدود ۲/۵۶ درصد از کل وارداتش بود (IMF, 2002). ترکیه در رتبه اول صادرکنندگان به روسیه قرار دارد، دیگر صادرکنندگان منطقه به روسیه به ترتیب شامل اسرائیل (۷۷۳ میلیون دلار)، ایران (۲۷۲ میلیون دلار) و مصر (۲۷۱ میلیون دلار) هستند (IMF, 2002).

از دیگر حوزه‌هایی که روسیه مایل است به آن وارد شود گاز طبیعی است. صادرات گاز طبیعی روسیه از ۱۳۱،۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۰ به ۲۲۳/۴ متر مکعب در سال ۲۰۱۰ رسید. قیمت نیز از ۱۱۰ دلار در هر ۱۰۰۰ متر مکعب در سال ۲۰۰۰ به حدود ۴۴۰ دلار در هر ۱۰۰۰ متر مکعب در سال ۲۰۱۰ رسید. بخشی از افزایش قیمت ناشی از افزودن ترکیه به جمع خریداران روسیه بود. بنابراین به غیر از ایران (که دومین ذخایر گاز طبیعی دنیا را در اختیار دارد)، دولت‌هایی مانند، ترکیه، اسرائیل و سوریه، بازار خوبی برای انرژی صادراتی روسیه به ویژه گاز طبیعی این کشور هستند. بنابراین روسیه تلاش می‌کند تا این کشورها را نیز به خریداران گاز طبیعی خویش تبدیل کند (احمدیان و مرادی، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۴). در ارتباط با نفت نیز در گذشته شرکت‌های روسی، نفت عراق را خریداری کرده و دوباره در بازارهای جهانی به فروش می‌رساندند که البته سود فراوانی داشت. به تازگی شرکت‌های روسی برای مبادله انرژی با ایران، عربستان سعودی، سوریه، اردن، امارات متحده عربی و اسرائیل قراردادهایی بسته‌اند.

روسیه در زمینه اقتصادی از یک فرصت دیگر یعنی بازار رو به رشد صنعت هسته‌ای با تأکید بر ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای برخوردار است. از آنجایی که روسیه از کشورهای پیشرو در زمینه فناوری هسته‌ای است، به سفارش کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، تلاش‌هایی را برای راه‌اندازی فناوری هسته‌ای در تولید برق، شیرین کردن آب‌های شور و موارد

دیگر آغاز کرده است. ایران اولین کشوری بود که به شکل رسمی قراردادی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار برای تکمیل نیروگاه بوشهر با روسیه امضا کرد (لطفیان، ۱۳۸۱، ص. ۱۲). دیگر کشورهای منطقه نیز تلاش برای بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای را آغاز کرده‌اند. بنابراین مشتریان مناسبی برای شرکت‌های هسته‌ای روسی به حساب می‌آیند. برای نمونه، پوتین در سفر آوریل ۲۰۰۷ به عربستان و امارات متحده عربی، پیشنهاد ساخت نیروگاه هسته‌ای را به آن‌ها داد. روس‌ها حتی امیدوارند که در مناقصه‌های مربوط به ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در مصر، موفقیت‌هایی را کسب کنند (Romanova, 2005, p.2).

۴. تروریسم و حضور دوباره روسیه در خاورمیانه و شمال آفریقا

حضور ۳۰ میلیون مسلمان در داخل روسیه و ۶۰ میلیون در خارج نزدیک و ترس از گسترش ناامنی از این منطقه (کرمی و نجفی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۴) یکی دیگر از دلایل توجه روسیه به خاورمیانه و شمال آفریقا است. بنابراین از جنگ دوم چچن در سال ۱۹۹۹ توجه دوباره و جدی‌تر روسیه به این منطقه احیا شد. به همین دلیل تلاش برای محدود کردن حمایت‌های ترکیه، اردن، عربستان سعودی، امارات و حتی یمن (حمایت سیاسی-لفظی یا مادی) از جنگجویان چچنی یکی از عوامل مهم توجه روسیه به غرب آسیا و شمال آفریقا است (Bowker, 2007, p. 79). برای نمونه، بعد از رویداد تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به مدرسهٔ بسلان در سال ۲۰۰۴ که منجر به کشته ۳۳۲ شهروند روسی شد، سفرهایی از سوی رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین و وزیر امور خارجه این کشور سرگئی لاورف به غرب آسیا و شمال آفریقا با هدف به کارگرفتن فشار به کشورهای این منطقه و قطع حمایت از گروه‌های افراطی چچنی آغاز شد (Freedman, 2010, p.54). حمایت رسمی این دولت‌ها از شبکه‌های فعال چچنی مسئله نیست؛ بلکه برخی از این دولت‌ها به عمد به برخی از شبکه‌های داخلی خود، اجازهٔ حمایت و فعالیت را می‌دهند. برای نمونه، بر اساس برخی برآوردها، عربستان سعودی سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار به گروه‌های چچنی کمک می‌کند. ترکیه نیز از راه اتحادیهٔ قفقاز کمک‌های قابل توجهی در اختیار جدایی‌طلبان چچنی قرار می‌دهد (Hunter, Thomas and Melikishvili, 2004, p.363).

افزون بر آن، برخی گروه‌های اسلامی ترکیه در فدراسیون روسیه از مآخاچ قلعه تا اوفو، مساجدی را ساخته‌اند که بیانگر سیاست مذهبی ترکیه در این مناطق است. دولت ترکیه درحالی که از فعالیت گروه‌های اسلامی در درون کشور خویش جلوگیری می‌کند؛ اما از این گونه فعالیت‌ها در خارج از ترکیه حمایت می‌کند (Hunter, Thomas and Melikishvili, 2005, p. 635). عربستان سعودی به وسیلهٔ صندوق‌هایی که منابع مالی‌شان از راه زکات تأمین

می شود در فعال کردن گروه‌های جهادی چچن نقش مهمی دارد. هانتر در این باره می نویسد: «گروه‌های خصوصی و دولتی سعودی دائم به گروه‌های چچنی مشاوره می‌دهند، حتی دولت عربستان از راه کمک‌های بشردوستانه نقش قابل توجهی را در این مناطق ایفا می‌کند» (Hunter, Thomas and Melikishvili, 2005, p.384).

با وجود آنکه روس‌ها در کنترل جدایی طلبان چچن از راه قطع مسیر حمایت مالی و سیاسی از خاورمیانه و شمال آفریقا موفق بوده‌اند؛ اما مسکو همواره اعلام کرده است که تروریسم اسلامی تنها مشکل روسیه نیست. بنابراین این کشور مسئله چچن را با تروریسم بین‌المللی پیوند می‌زند. در واقع، یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت روسیه از اسد ریشه در نگرانی عمیق این کشور از گسترش اسلام سلفی - وهابی به جمهوری‌های اتحاد شوروی در قفقاز و آسیای مرکزی و جمهوری‌های مسلمان‌نشین این کشور دارد. روسیه نیز مانند سوریه، توسط تروریست‌های سلفی، که از طرف غرب پشتیبانی می‌شوند، ثبات و امنیتش در خطر است. با هر قتل و کشتار در سوریه، ترس روسیه از سلفی‌ها فزونی می‌یابد. بعد از عملیات تروریستی وهابیون و سلفی‌ها در سوریه به صورت مشخص مواضع مقامات روسیه در مورد حامیان سلفی‌ها، به ویژه کشورهای عربی از جمله عربستان، تندتر می‌شود و به صورت مکرر تأکید می‌کنند که با افزایش خون‌ریزی‌ها رسیدن به توافق مشکل می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت روسیه از سوریه نگرانی مسکو از روی کار آمدن یک دولت مبتنی بر عقاید سلفی - وهابی در سوریه است؛ زیرا در این صورت نه تنها روسیه منافعی را که در حال حاضر در سوریه دارد از دست خواهد داد، بلکه این دولت تهدیدی علیه امنیت و ثبات مناطق مسلمان‌نشین روسیه است.

نتیجه

از زمان به دست گیری قدرت در روسیه توسط پوتین و به دلیل در پیش گرفتن رویکرد اوراسیاگرایی در سیاست خارجی، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سیاست خارجی روسیه اهمیت دو چندانی پیدا کرده است. از این زمان روسیه تلاش کرده تا ضمن گسترش رابطه با کشورهای همچون ایران، ترکیه و حتی اسرائیل، گسترش رابطه با کشورهای که در گذشته جزء حوزه نفوذ اتحاد شوروی بودند یعنی مصر، عراق، سوریه، یمن را نیز در دستور کار قرار دهد تا از این راه بتواند، جایگاه خویش به عنوان یک قدرت بزرگ را باز یابد. زیرا همان گونه که اشاره شد، کنترل این بخش راهبردی از جهان (با توجه به اینکه این منطقه نزدیک به ۶۴ درصد از انرژی فسیلی دنیا را در اختیار دارد) اول، سبب کنترل بقیه جهان می‌شود، دوم، این کشور فکر می‌کند که توجه نداشتن به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌تواند سبب وقوع ناآرامی در مناطق مسلمان‌نشین جنوب این کشور مانند چچن با ۲۵ میلیون مسلمان شوند. بنابراین

در تلاش است تا بهبود رابطه با کشورهای مهم این منطقه از حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم آن‌ها از جدایی‌طلبان چچن جلوگیری کند، سوم، این کشور خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ تصور می‌کند که باید در این منطقه و در منازعات و درگیری‌های به‌وقوع پیوسته در آن همچون منازعه اعراب-اسراییل نقش فعالی را ایفا کند و در آخر این کشور به‌عنوان دومین تولیدکننده و صادرکننده اسلحه در جهان باید به‌دنبال شریک‌های جدید و بازار فروش برای کالاهای تولیدی خود باشد. این درحالی است که کشورهای ثروتمند غرب آسیا و شمال آفریقا می‌توانند بازار خوبی برای کالاهای نظامی روسیه باشند.

منابع

الف) فارسی

۱. احمدیان، قدرت‌الله و حدیث مرادی (۱۳۹۳)، «معادله انرژی در اورآسیا و عمل‌گرایی روسی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص. ۲۱۹-۲۳۵.
۲. عطایی، فرهاد و جهان شیر منصوری مقدم (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحد آمریکا از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷»، *دانش سیاسی*، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، شماره دوم، صص. ۱۵۶-۱۲۹.
۳. فوی، استیفن (۱۳۷۲)، «صادرات اسلحه روسیه پس از جنگ سرد»، ترجمه الهه کولایی، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، پاییز ۱۳۷۲، دوره دوم، شماره ۲، صص. ۴۵-۲۳.
۴. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۴)، «فضای جدید تعاملات روسی - خاورمیانه‌ای»، *دوماهنامه ایراس*، اسفند ۱۳۸۴، شماره ۸، صص. ۱-۴.
۵. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۴)، «روسیه و طرح خاورمیانه بزرگ: بازیگر حاشیه‌ای عمل‌گرا»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال دوازدهم، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۳، صص. ۴۹-۶۶.
۶. کرمی، جهانگیر و زینب نجفی (۱۳۹۰)، «همکاری‌های روسیه و ترکیه: هدف‌ها، گستره و چشم‌اندازها»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۹، صص. ۷۸-۵۹.
۷. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، «روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت‌ها»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال سوم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص. ۱۱۱-۱۳۶.

۸. کرمی، جهانگیر (۱۳۹۱)، «چرا روسیه سرسختانه از سوریه حمایت می کند»، نشریه جهانی دنیای تجارت، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱، شماره ۳۳، ص. ۱۰۴.
۹. کرمی، جهانگیر (۱۳۹۲)، «جایگاه روسیه در ساختار نظام بین الملل»، دوهفته نامه تراز، مهر ۱۳۹۲، شماره ۱۲، ص. ۱۵.
۱۰. کولایی، الهه (۱۳۸۱)، «توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۵۷، صص. ۱۱-۵۶.
۱۱. کولایی، الهه، (۱۳۸۴)، «ایران و روسیه در دوران ریاست جمهوری خاتمی»، مجله سیاست خارجی، بهار ۱۳۸۴، شماره ۷۳، صص. ۱۵۲-۱۲۱.
۱۲. کولایی، الهه و علیرضا نوری (۱۳۸۹)، «عمل گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۴۰، شماره ۲، صص. ۲۲۸-۲۰۹.
۱۳. لطفیان، سعیده (۱۳۸۱)، «سیاست روسیه در قبال رژیم عدم گسترش سلاح های کشتار جمعی با تأکید بر ایران»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۳۸، صص. ۳۸-۷.
۱۴. لطفیان، سعیده (۱۳۸۸)، «جنگ افزارهای کشتار جمعی و کنترل تسلیحات در خاورمیانه»، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، بهار ۱۳۸۸، شماره اول، صص. ۲۲۶-۱۸۹.

(ب) انگلیسی

1. Al-Sakkaf, Nadia, (2013), Why Russia Should Be More Involved in Yemen: Published On 2, <http://www.yementimes.com/en/1673/viewpoint/2303/Why-Russia-should-be-more-involved-inYemen.htm>, (Accessed on: 21/11/2014).
2. Bagno-Moldavsky, Olena, (2013), Russian Foreign Policy in the Middle East: No Change in the Offing, **Strategic Assessment**, Vol.15, No.4, pp.121-132.
3. Bochkarev, Danila, (2006), **Russian Energy Policy During President Putin's Tenure: Trends and Strategies**, Mosko: GMB Publishing Ltd.
4. Bowker, Mike, (2007), **Russia, America, and the Islamic World**, Burlington, VT: Ash gate.
5. Daria, Chernyshova, Putin: Russia will aid reconstruction of Yemen, at: <http://thebricspost.com/putin-russia-will-aid-reconstruction-of-yemen>, (Accessed on: 07/10/2014).
6. Deborah, Solomon, (2010), "Petraeus Rules Out Sending U.S. Troops to Yemen," Wall Street, "U.S. Backs Yemen, Russia Arms it," UPI, January 11.

7. European Commission, (2011), Background on Energy in Europe, Information prepared for the European Council, http://ec.europa.eu/europe2020/pdf/energy_background_en.pdf, (Accessed on: 20/09/2014).
8. Freedman, Robert O. (1996), Russian Foreign Policy In the Middle East: The Kozyrev Legacy, <http://libertyparkusafd.org/lp/Hale/monographs%5CRussian%20Foreign%20Policy%20in%20the%20Middle%20East%20-%20%20The%20Kozyrev%20Legacy.htm>, (Accessed on: 05/09/2014).
9. Freedman Robert O., (2001), "Russian Policy toward the Middle East under Yeltsin and Putin", <http://www.jcpa.org/jl/vp461.htm>, (Accessed on: 01/05/2014).
10. Freedman, Robert O., (2010), "Russia, Israel and the Arab-Israeli Conflict: The Putin Years," **Middle East Policy**, 17, No. 3, pp.20-35.
11. Forbes, Staff, (2009), Russia's Lukoil Big Winner at 2nd Iraq Oil Auction, <http://www.forbes.com/2009/12/12/lukoil-iraq-oil-business-energy-west-qurna-auction.html>, (Accessed on: 12/10/2014).
12. Fukuyama, Francis, (1980), **The Soviet Union and Iraq Since 1968**, Washington: Rand Corporation, www.rand.org/pubs/notes/2007/N1524.pdf. (Accessed on: 11/07/2104).
13. Galia, Golan, (1990), **Soviet Policies in the Middle East from World War II to Gorbachev**, Cambridge: Cambridge University Press.
14. Gafarli, Or khan, (2011), Russian Foreign Policy in Light of Changing Balances in the Middle East, *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 10, No.4, pp.141-149.
15. Gali, Lili, (2008), "Russian PM to Open Party Branch in Israel, www.haaretz.com/.../russian-pm-putin-to-open-official-party-bra, (Accessed on: 07/11/2014).
16. Hudson, Valerie and Christopher S. Vore, (1995), "Foreign Policy Analysis Yesterday Today and Tomorrow", *Mershon International Studies Review*, Vol.39, No.2, pp.209-238.
17. Hunter, Siren with Jeffrey Thomas and Alexander Melikishvili, (2004), **Islam in Russia: the Politics of Identity and Security**, London: Routledge.
18. John C. Campbell, (2013), The Soviet Union and the United States in the Middle East, <http://www.jstor.org/page/info/about/policies/terms.jsp>. (Accessed on: 01/11/2014).
19. Katz, Mark, (1998), Post-Soviet Russian Foreign Policy Toward the Middle East, *The Soviet and Post-Soviet Review*, Vol. 23, No.2, pp.229-46, digilib.gmu.edu/dspace/.../Post-Soviet%20Russian%20Foreign%20Policy.pdf, (Accessed on: 06/06/2014).
20. Katz, Mark N., (2008), Comparing Putin's and Brezhnev's Policies toward the Middle East, <http://digilib.gmu.edu/dspace/bitstream/1920/3014/1/>

- Comparing%20Putin%20Brezhnev%20Policies%20in%20ME.pdf, (Accessed on: 02/09/2014).
21. Katz, Mark, (2010), Moscow and Middle East, Repeat Performance, http://eng.globalaffairs.ru/number/Moscow-and-the-Middle-East-Repeat-Performance-15690_(Accessed on: 06/09/2014).
 22. Katz, Mark N., (2012), "Russia and the Arab Spring, Middle East Institute, <http://www.mei.edu/content/russia-and-arab-spring>, (Accessed on: 12/07/2014).
 23. Katz, Mark.a, (1988), Soviet Policy in Middle East, Current History, digilib.gmu.edu/dspace/.../Post-Soviet%20Russian%20Foreign%20Policy.pdf, (Accessed on: 07/06/2014).
 24. Ily, Bourtman, (2012), "Putin And Russia's Middle Eastern Policy, www.youtube.com/watch?v=DUa_Ua3xIEg, (Accessed on: 21/09/2104).
 25. Lo, Bobo, (2002), **Russian Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Reality, Illusion and Mythmaking**: New York: Palgrave Macmillan Ltd.
 26. Mankoff, Jeffrey, (2009), **Russian Foreign Policy: The Return of Great Power Politics**, Lanham, Md: Rowman & Littlefield.
 27. Nizameddin, Talal, (1999), **Russia and the Middle East: Towards a New Foreign Policy**, New York: St. Martin's Press, Vol.7, No.4, pp.37-45.
 28. OPEC, Annual Statistical Bulletin, (2013), http://www.opec.org/opec_web/en/publications/202.htm, (Accessed on: 12/12/2014).
 29. Riannovosti, (2011), Lavrov Hosted the Palestinian Delegation in Moscow, <http://en.rian.ru/world/20110523/164169127.html>, (Accessed on: 6/8/2014).
 30. Romanova, Luidima, (2005), Security Putin Offers the Middle East Peace and Weapons, *Gazeta*, April 27, pp.15-16.
 31. Rubin, Michael, (2002), "Russia-Iraq Trade Booming", **RFE/EL Report**, Vol. 5, No. 9, p.12.
 32. Russia Gifts Lebanon, (2010), <http://www.strategypage.com/htm/htproc/articles/20101125.aspx>, (Accessed on: 06/10/2014).
 33. Schmemann, Alexander and Cory Welt, (2012), Dividing Lines in Russian Politics and Foreign Policy, PONARS Eurasia, www.ponarseurasia.org/.../dividing-lines-russian-politics-and-foreign-policy, (Accessed on: 02/11/2014).
 34. The SIPRI Arms Transfers database, (2013), <http://www.sipri.org/databases/armstransfers>, (Accessed on: 12/09/2014).
 35. Thomas W. Donovan, (2010), "Iraq's Upstream Oil and Gas Industry: a Post-Election Analysis." **Middle East Policy**, Vol.17, No. 2, pp. 24-30.
 36. Weir, Fred, (2012), "Why Russia is willing to Sell Arms to Syria, <http://www.csmonitor.com/World/Europe/2012/0119/Why-Russia-is-willing-to-sell-arms-to-Syria>, (Accessed on: 12/01/2014).

37. Yevgeny, Primakov, (2009), **Russia and the Arabs: Behind the Scenes in the Middle East from the Cold War to the Present**: Translated by Paul Gould. New York: Basic Books.
38. Zvi, Magen and Olena, Bagno-Moldavsky, (2011), New Directions in Russia's Foreign Policy: Implications for the Middle East, **Strategic Assessment**, Vol. 13, No.4, pp.73-84.